

## فهرست

### واژگان

بخش  
نمره

#### درس اول

۷۸ بستۀ ۱: معنی کلمات

۸۴ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۸۵ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۸۷ بستۀ ۴: جمع مکسر

۸۹ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس دوم

۹۱ بستۀ ۱: معنی کلمات

۹۷ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۹۸ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۹۹ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۰۱ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس سوم

۱۰۳ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۰۸ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۰۹ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۱۰ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۱۲ بستۀ ۵: انواع اسم

#### درس چهارم

۱۱۵ بستۀ ۱: معنی کلمات

۱۲۰ بستۀ ۲: کلمات مترادف

۱۲۱ بستۀ ۳: کلمات متضاد

۱۲۲ بستۀ ۴: جمع مکسر

۱۲۴ بستۀ ۵: انواع اسم

### ترجمه فعل

بخش  
نمره

۶ قسمت ۱: کادرهای آموزشی

۱۸ قسمت ۲: تمرین کتاب درسی

۲۱ قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی

### ترجمه و درک مطلب

بخش  
نمره

#### درس اول

۲۴ بستۀ ۱: متن درس

۲۹ بستۀ ۲: إعلموا

۳۲ بستۀ ۳: تمرین

#### درس دوم

۳۷ بستۀ ۱: متن درس

۴۲ بستۀ ۲: إعلموا

۴۴ بستۀ ۳: تمرین

#### درس سوم

۵۰ بستۀ ۱: متن درس

۵۷ بستۀ ۲: إعلموا

۵۹ بستۀ ۳: تمرین

#### درس چهارم

۶۳ بستۀ ۱: متن درس

۶۸ بستۀ ۲: إعلموا

۷۰ بستۀ ۳: تمرین

## پاسخ نامه تشریحی

۱۶۰	بخش ۱: ترجمه فعل
۱۶۱	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۱۷۲	بخش ۳: واژگان
۱۸۶	بخش ۴: قواعد
۱۹۱	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

## امتحان نهایی

۱۹۶	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۱
۱۹۸	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۱
۲۰۰	آزمون ۳: دی ماه ۱۴۰۱
۲۰۲	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۰۴	آزمون ۵: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۰۶	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

## قواعد

درس اول	
۱۲۶	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۲۹	بسته ۲: (لا)ی نفی جنس
درس دوم	
۱۳۲	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۳۶	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۳۷	بسته ۱: ادات استثناء
۱۳۹	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۴۰	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۴۲	بسته ۲: نکات ترجمه

## تحلیل صرفی و اعراب

۱۴۴	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۱۴۷	قسمت ۲: محل اعرابی
۱۵۱	قسمت ۳: سؤالات درس به درس

## شب امتحان



بخش ۱	بخش ۲	بخش ۳	بخش ۴	بخش ۵
نمره ۲	نمره ۱۰	نمره ۵	نمره ۲۵/۱	نمره ۷۵/۱

# ترجمه فعل



# قسمت

## کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

### ایستگاه سؤال

#### تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ:

۱. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۲. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۳. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)
۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)

#### إِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ:

۵. شَبَابُنَا عَلِمَ إِبْرَانَ فِي الْمُبَارَاةِ. (خرداد ۱۴۰۲)
  - ۱ رَفَعُوا
  - ۲ رَفَعَتْ
  - ۳ رَفَعَ
۶. الْفَائِزَةُ الْأُولَى فِي الْمُبَارَاةِ عَلِمَ إِبْرَانَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
  - ۱ رَفَعَ
  - ۲ رَفَعَتْ
  - ۳ رَفَعَتْ
۷. بَيْتًا جَمِيلًا مِنَ الْحَسْبِ. (خرداد ۹۸)
  - ۱ صَنَعْنَا
  - ۲ صَنَعْتُ
  - ۳ صَنَعُوا
۸. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (دی ۹۸)
  - ۱ نَجَحَتْ
  - ۲ نَجَحَ
  - ۳ نَجَحْنَ
۹. إِنَّا نَحْنُ ..... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. (دی خارج ۹۹)
  - ۱ نَزَّلْتُ
  - ۲ نَزَّلْنَا
  - ۳ نَزَّلُوا

### پاسخ سؤالات

۱. نشست
۲. نامه‌نگاری کردند
۳. برید
۴. من کمک کردم
۵. گزینهٔ «۳»: «شباب» جمع مذکر عاقل است و فعل در ابتدای جمله به صورت مفرد مذکر می‌آید.
۶. گزینهٔ «۳»: با توجه به «الفائزَةُ» که مفرد مؤنث غایب است فعل «رَفَعَتْ» صحیح می‌باشد. (برندهٔ اول پرچم ایران را در مسابقه بالا برد.)
۷. گزینهٔ «۱»: با توجه به ضمیر «نَحْنُ» فعل در صیغهٔ اول شخص جمع (متکلم مع‌الغیر) می‌آید. (ما خانه‌ای زیبا از چوب ساختیم.)
۸. گزینهٔ «۱»: با توجه به «الطَّالِبَاتُ» فعل در ابتدای عبارت مفرد مؤنث می‌آید. (دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.)
۹. گزینهٔ «۲»: با توجه به «نَحْنُ» فعل ماضی «نَزَّلْنَا» صحیح است. (به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.)

### ماضی ساده

تکرار ۹

• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نحنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُما	أنتُما (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُم	أنْتُم (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُما	نشستند
جَلَسْتَا	ا	هُما	
جَلَسُوا	و	هُم	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسْتُ: نشست)

پاسخ سؤالات

۱. تلاش نکرد (لَمْ + تَجْتَهِدُ ← لَمْ تَجْتَهِدْ (ماضی منفی))
۲. فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمُ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))
۳. آموزش نخواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← ما اسْتَعْفَرْتُ (ماضی منفی))
۴. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))
۵. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))
۶. نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضی منفی))
۷. ندید، مشاهده نکرد (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی))
۸. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))
۹. ندانستند (لَمْ + يَعْلَمُونَ ← لَمْ يَعْلَمُوا (ماضی منفی))
۱۰. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتُمْ ← ما عَلَّمْتُمْ (ماضی منفی))
۱۱. کمک نکرد (لَمْ + يُسَاعِدُ ← لَمْ يُسَاعِدْ (ماضی منفی))
۱۲. نجات نداد (لَمْ + يُنْقِذُ ← لَمْ يُنْقِذْ (ماضی منفی))
۱۳. تلاش نکرد (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))
۱۴. نزدند (لَمْ + يَضْرِبْنَ ← لَمْ يَضْرِبْنَ (ماضی منفی))
۱۵. تعمیر نکرد (لَمْ + يَصْلِحُ ← لَمْ يَصْلِحْ (ماضی منفی))
۱۶. سخن نگفتند (لَمْ + يَتَكَلَّمْنَ ← لَمْ يَتَكَلَّمْنَ (ماضی منفی))
۱۷. کمک نکردند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضی منفی))
۱۸. تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعْنَ ← لَمْ يُشَجِّعْنَ (ماضی منفی))
۱۹. نشانند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی))
۲۰. نفرستادند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی))
۲۱. به یاد نیاورد (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))
۲۲. گزینۀ «۲»: مشاهده نکردم (ما + شاهَدْتُ ← ما شاهَدْتُ (ماضی منفی))
۲۳. نیامرزد (لَمْ + يَغْفِرُ ← لَمْ يَغْفِرْ (ماضی منفی))



● فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.  
 <math>\leftarrow \text{رَجَعَ (بازگشت) منفی} \leftarrow \text{ما رَجَعَ (بازنگشت)}</math>  
**ما + ماضی ← ماضی منفی**  
 ● فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن ماضی منفی ترجمه می‌شود.  
 <math>\leftarrow \text{لَمْ + يَذْهَبُ} \leftarrow \text{لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)}</math>

**لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی**  
 <math>\leftarrow</math> توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لماذا» به معنای «چرا، برای چه» کلمه پرسشی است.

لَمْ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ؟	چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ ماضی منفی
لَمْ ما عملتُمْ بواجباتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤالات

ترجمه الأفعال التالية:

۱. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ لَمْ تَجْتَهِدْ فِي دُرُوسِهَا. (خرداد ۱۴۰۲)
  ۲. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمَا الدَّرْسَ. (دی ۱۴۰۱)
  ۳. اسْتَعْفَرَ (آموزش خواست) ← هِيَ ما اسْتَعْفَرْتُ. (شهریور ۹۹)
  ۴. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ ما ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (شهریور ۱۴۰۰)
  ۵. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ. (دی ۱۴۰۰)
  ۶. أَرْسَلَ (فرستاد) ← ما أَرْسَلْنَا. (دی ۹۹)
  ۷. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئًا. (خرداد ۹۹)
  ۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ ما اجْتَهَدْتُ. (خرداد ۹۹)
  ۹. عَلِمَ (دانست) ← لَمْ يَعْلَمُوا شَأْنَ وَالِدِهِمْ. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
  ۱۰. عَلَّمَ (یاد داد) ← ما عَلَّمْتُمْ. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لَمْ يُسَاعِدْ صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۱)
  ۱۲. أَنْقَذَ (نجات داد) ← هُوَ لَمْ يُنْقِذْ شَخْصًا. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
  ۱۳. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ. (خرداد ۱۴۰۰)
  ۱۴. ضَرَبَ (زد) ← لَمْ يَضْرِبَنَّ. (دی خارج ۹۹)
  ۱۵. صَلَحَ (تعمیر کرد) ← هُوَ لَمْ يَصْلِحْ جِرَارَتَهُ. (شهریور ۱۴۰۰)
  ۱۶. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمَا. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۸. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُشَجِّعَنَّ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۹. أَجْلَسَ (نشاند) ← هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (دی ۹۸)
  ۲۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا واجباتِهِمْ. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۲۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← ما تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
  ۲۲. شاهَدْتُ فِي المَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ. (دی ۹۷)
- (۱) مشاهده می‌کردم  
 ○ (۲) مشاهده نکردم  
 ○ (۳) مشاهده نمی‌کنم  
 ○ (۲۳) غَفَرَ (آمرزد) ← لَمْ يَغْفِرْ. (آذر ۱۴۰۱)



- به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.
- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.  
 <math>\leftarrow \text{قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی} \leftarrow \text{قَدْ ذَهَبَ}</math>

**قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی**

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.
- <math>\leftarrow \text{قَدْ عَلِمَ} \leftarrow \text{دانسته است} / \text{قَدْ عَلِمْتُ} \leftarrow \text{دانسته‌ام}</math>
- <math>\leftarrow \text{فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.}</math>
- (پس یادتون باشه ترکیب (لَمْ + فعل مضارع) می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی)
- <math>\leftarrow \text{لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه} \leftarrow \text{ندانستند (ماضی منفی)}</math>
- <math>\leftarrow \text{ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)}</math>

ایستگاه سؤال

ترجمه	فعل مضارع	شکل های «کان»
می رفت	يَذْهَبُ تَذْهَبُ	۱. كَانَ ۲. كَانَتْ
می رفتند	يَذْهَبَانِ تَذْهَبَانِ	۳. كَانَا ۴. كَانَتَا
	يَذْهَبُونَ يَذْهَبِينَ	۵. كَانُوا ۶. كُنَّ
می رفتی	تَذْهَبُ تَذْهَبِينَ	۷. كُنْتَ ۸. كُنْتِ
	تَذْهَبَانِ تَذْهَبُونَ	۹. كُنْتُمَا ۱۰. كُنْتُمْ
می رفتید	تَذْهَبُونَ تَذْهَبِينَ	۱۱. كُنْتُمْ ۱۲. كُنْتُنَّ
می رفتم	أَذْهَبُ	۱۲. كُنْتُ
می رفتیم	نَذْهَبُ	۱۳. كُنَّا

فعل ماضی در ساختار «لَبَّيْتُ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می شود.

لَبَّيْتُ مُحَمَّدًا نَصْرَ صَدِيقِهِ. ← کاش محمد دوستش را یاری می کرد.

(البته در ساختار «لَبَّيْتُ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.)

فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع» نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می کرد.

ماضی + نکره + مضارع

شَاهَدْتُ الطُّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی که بازی می کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

- جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ. (خرداد ۱۴۰۰)
- عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- كَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ. (دی خارج ۹۹)
- قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ. (شهریور خارج ۹۸)
- اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
- تَقَرَّبَ (نزدیک شد) ← كَانَ يَتَقَرَّبُ. (دی ۹۹)
- عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُ أَعْلَمُ شَيْئًا. (خرداد خارج ۱۴۰۲)
- جَالَسَ (هم نشینی کرد) ← كَانَا يُجَالِسَانِ الصَّالِحِينَ. (دی خارج ۱۴۰۱)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. (خرداد ۱۴۰۱)
- صَلَحَ (تعمیر کرد) ← كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ. (شهریور ۱۴۰۱)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَيِّدًا. (شهریور ۹۹)

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

- عَفَرَ (آمرزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (آذر ۱۴۰۱ - دی ۱۴۰۰)
- إِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
- عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتَ. (دی خارج ۹۹)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرَضِهِ. (خرداد ۹۸)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتَ. (خرداد خارج ۹۸)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلَ. (خرداد خارج ۹۹)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ إِمْتَنَعْتَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتَ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
- عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
- أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

پاسخ سؤالات

- آمرزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
- آمرزش خواسته اید (قَدْ + اسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
- یاد داده ای (قَدْ + عَلَّمْتَ ← ماضی نقلی)
- سخن گفته ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
- به یاد آورده ای (قَدْ + تَذَكَّرْتَ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
- خودداری کرده است (قَدْ + إِمْتَنَعْتَ ← ماضی نقلی)
- رفتار کرده ای (قَدْ + عَامَلْتَ ← ماضی نقلی)
- عمل کرده ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
- فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)



• به فعلی گفته می شود که در گذشته چند بار تکرار شده است. می نوشتم، می آمدند، می خوردید و ...

• فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه های ماضی فعل «کان» به قبل از صیغه های فعل مضارع ساخته می شود.

کان + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری

• فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می شود.

کان يَعْلمُ ترجمه می دانست

• به شکل های مختلف فعل «کان» به همراه فعل مضارع و ترجمه آنها در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانْتَا (قَدْ) ذَهَبْتَا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

فعل ماضی در ساختار «لَیْتَ + فعل ماضی» را نیز می توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)

لَیْتَ التَّلْمِیذُ ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ. ← کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می کرد.)

### لَیْتَ + ماضی ← ماضی بعید

فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می شود.

شَاهَدْتُ صَدِیقًا سَاعَدَنِي فِي الدَّرْسِ. ← دوستی را دیدم که به من ماضی ماضی در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد) ماضی بعید

### ایستگاه سؤال

#### ترجمه الأفعال التالیة:

- کَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِیذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
- إِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (آذر ۱۴۰۱ - خرداد ۹۹)
- تَقَاعَدَ (بازنشسته شد) ← هُوَ كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ. (شهریور ۹۹)
- رَخَّصَ (ارزان شد) ← أَسَاعَزُ الْبِضَایِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِیضِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
- جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
- تَكَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← لَیْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)

### پاسخ سؤالات

- نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
- خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
- بازنشسته شده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (تَقَاعَدَ) ← ماضی بعید)
- ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَخَّصَتْ) ← ماضی بعید)
- قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
- نامه نگاری کرده بودند، نامه نگاری می کردند (لَیْتَ + فعل ماضی (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری)

(خرداد خارج ۹۸)

#### ۱۴. لَیْتَ نَاصِرًا ابْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ.

- (۱) دوری کرده است
- (۲) دوری می کرد
- (۳) دوری خواهد کرد

(دی خارج ۱۴۰۰)

#### ۱۵. قَطَعَ (بُرید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الشَّجَرَةَ.

### پاسخ سؤالات

- می نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
- می دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
- با یکدیگر نامه نگاری می کردند (كَانَا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
- می بُریدند (كَانُوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
- تلاش می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
- نزدیک می شد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَقَرَّبُ» ← ماضی استمراری)
- می دانستم (كُنْتُ + فعل مضارع «أَعْلَمُ» ← ماضی استمراری)
- هم نشینی می کردند (كَانَا + فعل مضارع «يُجَالِسَانِ» ← ماضی استمراری)
- سخن می گفتند (كَانُوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
- عمل می کردی (كُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
- خودداری می کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
- تعمیر می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يُصَلِّحُونَ» ← ماضی استمراری)
- رفتار می کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
- گزینه «۲»: دوری می کرد (لَیْتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)
- می بُریدند (كَانَا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)

### ماضی بعید

• به فعلی گفته می شود که در گذشته دور انجام شده است.

نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...

فعل ماضی بعید با آمدن صیغه های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه های فعل ماضی ساخته می شود.

كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ

آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می آید.

### كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید

• فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می شود.

كَانَ قَدْ كَتَبَ ترجمه نوشته بود.

كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه نوشته بودیم.

• به شکل های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول بعد دقت کنید.

# قسمت ۳

## تمارین کتاب درسی

### الدَّرْسُ الْأَوَّلُ | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) رَجَاءٌ، أُكْتُبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِيكَ.	۱) لطفاً حلّ پرسش‌ها را با هم‌کلاسی‌هایتان بنویسید.
ب) إِنْ تَكْتُبُ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُضِجُ حَقْلَكَ قَبِيحاً.	۲) اگر با عجله بنویسی خطت زشت خواهد شد.
ج) أُرِيدُ أَنْ أُكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ.	۳) می‌خواهم [که] خاطره‌ای در دفترِ خاطرات بنویسم.
د) لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۴) [انسان] خردمند، روی آثارِ تاریخی نخواهد نوشت.
ه) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	۵) قطعاً او اندیشه‌هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
و) عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمْرِيبَهُ.	۶) هنگامی‌که او را دیدم، تمرینش را می‌نوشت.
ز) قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.	۷) تنبل، تمرین‌های درس را گاهی می‌نویسد (شاید بنویسد).
ح) يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	۸) ای دانش‌آموزان، چرا ترجمه را نمی‌نویسید؟
ط) رَجَاءٌ، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	۹) لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.
ی) هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	۱۰) او نامه‌ای به دوستش نوشته است.
ک) لِيَكْتُبَ جُمَلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	۱۱) در دفترهایمان جمله‌هایی زیبا باید بنویسیم.
ل) أَنَا لَمْ أُكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	۱۲) من دیروز تکلیف‌هایم را ننوشتم (ننوشته‌ام).
م) مَا كَتَبْنَا شَيْئاً عَلَى الْجِدَارِ.	۱۳) روی دیوار چیزی ننوشتیم.
ن) كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	۱۴) حدیثی روی تخته نوشته شد.
س) كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأَجْوِبَةَ.	۱۵) جواب‌ها را می‌نوشتند.
ع) كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرْسَهُمْ.	۱۶) درسشان را نوشته بودند.
ف) يَكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ.	۱۷) متنی کوتاه نوشته می‌شود.

### نکات ترجمه

۱) «أُكْتُبَنَّ» فعل امر از «تَكْتُبَنَّ» است.	۹) «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُوا) ← نهی
۲) «إِنْ: اگر» ← ادات شرط / «تَكْتُبُ» فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می‌شود.	۱۰) قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْتُ) ← ماضی نقلی
۳) أَنْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← مضارع التزامی	۱۱) لِ (امر) + فعل متکلم (نَكْتُبُ) ← لِتَكْتُبُ ← باید + مضارع التزامی
۴) لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← لَنْ يَكْتُبُ ← (مستقبل منفی)	۱۲) لَمْ + فعل مضارع (أَكْتُبُ) ← لَمْ أَكْتُبُ ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی
۵) سَوْفَ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل	۱۳) مَا + فعل ماضی (كَتَبْنَا) ← ماضی منفی
۶) كَانْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← ماضی استمراری	۱۴) «كُنْتُ» بر وزن «فَعِلٌ» فعل ماضی مجهول است.
۷) قَدْ + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.	۱۵) كَانُوا + فعل مضارع (يَكْتُبُونَ) ← ماضی استمراری
۸) «لَا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبُونَ) ← مضارع منفی	۱۶) كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبُوا) ← ماضی بعید
	۱۷) «يَكْتُبُ» بر وزن «يُفَعِّلُ» فعل مضارع مجهول است.



الدَّرْسُ الثَّانِي | التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

الف) كَتَبَ: نوشت	<p>۱ قَدْ كُتِبَ التَّمْرِينُ: تمرین نوشته شد.</p> <p>۲ لِمَ لَا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ چرا درست را نمی نویسی؟</p> <p>۳ أَنْتِ لَمْ تَكْتُبِي شَيْئًا: تو چیزی را ننوشتی (تو ننوشته ای)</p>
ب) تَكَاتَبَ: نامه نگاری کرد	<p>۴ أَلصَّدِيقَانِ تَكَاتَبَا: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p> <p>۵ رَجَاءٌ تَكَاتَبَا: لطفاً با یکدیگر نامه نگاری کنید.</p> <p>۶ تَكَاتَبَ الزَّمِيلَانِ: دو همکلاسی با یکدیگر نامه نگاری کردند.</p>
ج) مَنَعَ: بازداشت، منع کرد	<p>۷ مُنِعْتُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ: از مواد قندی منع شدم.</p> <p>۸ لَا تَمْتَنِعْنَا عَنِ الْخُرُوجِ: ما را از بیرون رفتن منع نکن (باز ندار).</p>
د) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد	<p>۹ لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ: از بیرون رفتن خودداری نخواهیم کرد.</p> <p>۱۰ لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ: از خوردن خودداری نکنید.</p> <p>۱۱ كَانَ الْحَارِشُ قَدْ اِمْتَنَعَ عَنِ التَّوَمِ: نگهبان از خواب خودداری کرده بود.</p>
هـ) عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد	<p>۱۲ لِمَ مَا عَمِلْتُمْ يَوْجِبَا تَكْمَ؟: چرا به وظایفتان عمل نکردید؟</p> <p>۱۳ أَتَعْمَلُونَ فِي الْمَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟</p>
و) عَامَلَ: رفتار کرد	<p>۱۴ إِلَهِي، عَامِلْنَا بِفَضْلِكَ! خدایا! با بخشش خود با ما رفتار کن.</p> <p>۱۵ إِلَهِي، لَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ! خدایا! با دادگری ات با ما رفتار نکن.</p> <p>۱۶ كَانُوا يُعَامِلُونَنَا جَدًّا: به خوبی با ما رفتار می کردند.</p>
ز) ذَكَرَ: یاد کرد	<p>۱۷ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ: مؤمن پروردگارش را یاد کرده است. (یاد کرد)</p> <p>۱۸ ذُكِرْتَ بِالْحَيْرِ: به نیکی یاد شدی.</p> <p>۱۹ قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تِلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد دانش آموزان قدیمش را یاد می کند. (شاید ... یاد بکند)</p>
ح) تَذَكَّرَ: به یاد آورد	<p>۲۰ جَدِّي وَ جَدَّتِي تَذَكَّرَانِي: پدربزرگ و مادربزرگ مرا به یاد آوردند.</p> <p>۲۱ سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ: معلم ما را به یاد خواهد آورد.</p> <p>۲۲ لَا أَتَذَكَّرُكَ يَا زَمِيلِي: همکلاسی ام، تو را به یاد نمی آورم.</p>

نکات ترجمه

۱ قَدْ + فعل ماضی مجهول (كُتِبَ) ← ماضی نقلی مجهول	۱۲ ما + فعل ماضی (عَمِلْتُمْ) ← ماضی منفی
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (تَكْتُبِينَ) ← مضارع منفی	۱۳ «تَعْمَلُونَ» فعل مضارع جمع مذکر مخاطب است.
۳ لَمْ + فعل مضارع تغییر یافته (تَكْتُبِي) ← ماضی منفی - ماضی نقلی منفی	۱۴ «عَامِلٌ» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.
۴ «تَكَاتَبَا» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۵ «لا» ی نفی + فعل تغییر یافته مضارع (تُعَامِلُ) ← نفی
۵ «تَكَاتَبَا» فعل امر از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۶ کانوا + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← ماضی استمراری
۶ «تَكَاتَبَ» فعل ماضی از باب «تَفَاعُلٌ» است.	۱۷ قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَ) ← ماضی نقلی یا ساده
۷ «مُنِعْتُ» فعل ماضی مجهول است.	۱۸ «ذُكِرْتَ» فعل ماضی مجهول است.
۸ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُ) ← نفی	۱۹ قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می شود.
۹ لَنْ + فعل مضارع (تَمْتَنِعُ) ← مستقبل منفی	۲۰ فعل ماضی از باب «تَفَعُّلٌ» + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۱۰ «لا» ی نفی + فعل مضارع تغییر یافته (تَمْتَنِعُوا) ← نفی	۲۱ سَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل
۱۱ كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید	۲۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ | التَّمْرِينُ السَّادِسُ

الف) عَلِمَ: دانست	۱ سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست
ب) اِنْتَقَلَ: جابه جا شد	۲ لَا يَنْتَقِلُ: جابه جا نمی شود ۳ رَجَاءً، اِنْتَقِلُوا: لطفاً جابه جا شوید ۴ لَنْ يَنْتَقِلَ: جابه جا نخواهد شد
ج) اَرْسَلَ: فرستاد	۵ لَا تُرْسِلُ: نفرست ۶ اُرْسِلُ: بفرست
د) عَبَدَ: پرستید	۷ اُعْبُدُونِي: مرا پرستید
ه) سَاعَدَ: کمک کرد	۸ رَجَاءً، سَاعِدُونِي: لطفاً به من کمک کنید ۹ هُمْ سَاعِدُونِي: آنها به من کمک کردند
و) طَبَخَ: پخت	۱۰ طَبَخَ: پخته شد
ز) تَكَلَّمَ: سخن گفت	۱۱ اَلْتَكَلَّمَ: سخن گفتن ۱۲ تَتَكَلَّمُ: سخن می گویم ۱۳ تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم

نکات ترجمه

۱ س + فعل مضارع (يَعْلَمُونَ) ← مستقبل	۸ فعل امر (ساعدوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۲ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مضارع منفی	۹ فعل ماضی (ساعدوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»
۳ فعل امر از باب «اِفْتِعَال» ← صیغه جمع مذکر مخاطب	۱۰ فعل ماضی مجهول
۴ لَنْ + فعل مضارع (يَنْتَقِلُ) ← مستقبل منفی	۱۱ مصدر باب «تَفَعَّل»
۵ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی	۱۲ فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
۶ فعل امر از باب «اِفْعَال» صیغه مفرد مذکر مخاطب	۱۳ فعل ماضی، متکلم مع الغیر باب «تَفَعَّل»
۷ فعل امر (اُعْبُدُوا) + ن (وقایه) + ضمیر متصل «ی»	

الدَّرْسُ الرَّابِعُ | التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

۱ مضارع تَدَكَّرَ (به یاد آورد): يَتَدَكَّرُ ○	۶ مضارع تَقَاعَدَ (بازنشست شد): يُقَاعَدُ ○
۲ مصدر عَلَّمَ (یاد داد): عَلَّمَ ○	۷ امر تَمَتَّنِعَ (خودداری می کنی): اِمْتَنِعْ ○
۳ ماضی مُجَالَسَة (همنشینی کردن): جَلَسَ ○	۸ ماضی يَسْتَخْرِجُ (خارج می کند): اِسْتَخْرَجَ ○
۴ مصدر اِنْقَطَعَ (بریده شد): تَقَطَّعَ ○	۹ وزن اِسْتَمَعَ: اِسْتَمَعَلْ ○
۵ امر تَقَرَّبَ (نزدیک شد): تَقَرَّبْ ○	۱۰ وزن اِنْتَظَرَ: اِنْتَظَعَلْ ○

پاسخ

۱ «تَدَكَّرَ» ماضی باب «تَفَعَّل» است و مضارع آن بر وزن «يَفْعَلُ» و به صورت «يَتَدَكَّرُ» می آید. ✓	۶ «تَقَاعَدَ» ماضی باب «تَفَاعَل» بوده و مضارع آن بر وزن «يَفْعَالُ» و به صورت «يُقَاعَدُ» است. ✓
۲ «عَلَّمَ» ماضی باب «تَفَعَّل» بوده و مصدر آن بر وزن «تَفَعَّل» و به صورت «تَعْلِيم» می آید. ✓	۷ «تَمَتَّنِعَ» مضارع باب «اِفْتِعَال» بوده و امر آن بر وزن «اِفْتَعِل» و به صورت «اِمْتَنِع» می آید. ✓
۳ «مُجَالَسَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» بوده و ماضی آن بر وزن «فَاعَل» و به صورت «جَالَس» می آید. ✓	۸ «يَسْتَخْرِجُ» مضارع باب «اِسْتِفْعَال» بوده و ماضی آن به صورت «اِسْتَخْرَجَ» می آید. ✓
۴ «اِنْقَطَعَ» ماضی باب «اِنْفِعَال» بوده و مصدر آن به صورت «اِنْقَطَاع» است. ✓	۹ «اِسْتَمَعَ» بر وزن «اِفْتَعَل» از باب «اِفْتِعَال» و به معنای «گوش فرا داد» است. ✓
۵ «تَقَرَّبَ» ماضی باب «تَفَعَّل» بوده و امر آن بر وزن «تَفَعَّل» و به صورت «تَقَرَّب» می آید. ✓	۱۰ «اِنْتَظَرَ» بر وزن «اِفْتَعَل» از باب «اِفْتِعَال» و به معنای «انتظار کشید، منتظر شد» است. ✓

## قسمت

# سوالات امتحانی ترکیبی

### الف دی ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### تعلّم: یاد گرفت

- ۱ رجاءَ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. ۲ التَّلَامِيذُ قَدْ تَعَلَّمُوا اللُّغَةَ الْفَرَنَسِيَّةَ. ۳ الكَسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمِ الدَّرْسَ.

#### ساعد: کمک کرد

- ۴ الطَّلَبُ سَاعَدُونِي. ۵ الْأَعْيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ. ۶ سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.

#### كُتِبَ: نوشت

- ۷ الْأَطْفَالُ لَا يَكْتُبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. ۸ التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ.

### ب شهریور ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### إِسْتَعَانَ: یاری جست

- ۹ «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» ۱۰ «...إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ۱۱ لَا تَسْتَعِينُوا إِلَّا بِاللَّهِ.

#### رَخَّصَ: ارزان شد

- ۱۲ الْأَدَبُ لَنْ يَرُخَّصَ إِذَا كَثُرَ. ۱۳ أَشْعَارُ الْبَضَائِعِ كَانَتْ قَدْ رَخَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.

#### صَلَّحَ: تعمیر کرد

- ۱۴ أَنَا فِي مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ الْحَافِلَاتِ. ۱۵ هُوَ لَمْ يُصَلِّحْ جِرَارَتَهُ. ۱۶ كَانُوا يُصَلِّحُونَ السَّيَّارَةَ.

### ج خرداد ماه ۱۴۰۱ (۲ نمره)

#### تَقَرَّبَ: نزدیک شد

- ۱۷ سَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ. ۱۸ هُمْ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْخَيْرَاتِ. ۱۹ لَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ.

#### أُرْسِلَ: فرستاد

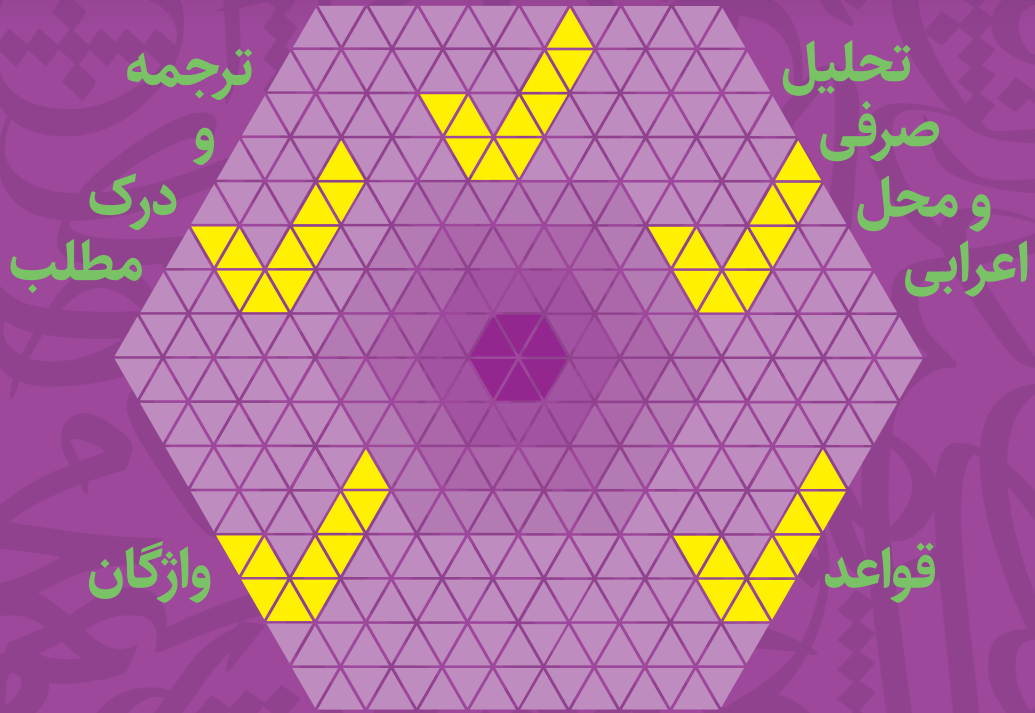
- ۲۰ لَا تُرْسِلْ رِسَالَةً. ۲۱ لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ. ۲۲ هُوَ قَدْ أُرْسِلَ الْخَبَرَ.

#### إِمْتَنَعَ: خودداری کرد

- ۲۳ الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ. ۲۴ مِنْ فَضْلِكَ إِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.

# پاسخنامہ تشریحی

ترجمہ فعل



پاسخ بخش اول

ترجمه فعل

- ۱ یاد بگیرید (فعل امر از باب «تَفَعَّلُ») ۳۰ کمک نخواهم کرد (لَنْ + فعل مضارع (أَسَاعِدُ) ← مستقبل منفی)
- ۲ گاهی یاد می‌گیرند (شاید یاد بگیرند) (قَدْ + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.) ۳۱ کمک نکردند (کمک نکرده‌اند)
- ۳ یاد نگرفت (یاد نگرفته است) ۳۲ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کن
- ۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَتَعَلَّمُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) به من کمک کردند ۳۳ فعل امر (سَاعِدْ) + ن (وقایه) + ي (ضمیر متصل) خارج نشد (خارج نشده است)
- ۵ باید کمک کنند (لِاِمْرٍ) + فعل مضارع (يُسَاعِدُوا) ← باید + مضارع التزامی ۳۴ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يَخْرُجُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) خارج نشوید («لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَخْرُجُوا) ← نهی)
- ۶ کمک خواهم کرد (سَ + فعل مضارع (أَسَاعِدُ) ← مستقبل) ۳۵ خارج شده است (خارج شد) خارج نشد (خارج نشده است)
- ۷ نباید بنویسند ۳۶ قَدْ + فعل ماضی (خَرَجَ) ← ماضی نقلی یا ساده یاد کنید (فعل امر صیغه جمع مذکر مخاطب)
- ۸ «لا» ی نهی + فعل مضارع غایب (يَكْتُبُوا) ← نباید + مضارع التزامی نوشته بودند (كُنْ + (قَدْ) + فعل ماضی (كَتَبْتَ) ← ماضی بعید)
- ۹ یاری بجویید (فعل امر باب «اِسْتِفْعَال» (عَوْنٌ)، جمع مذکر مخاطب) ۳۷ گاهی یاد می‌کند (شاید یاد کند) (قَدْ + فعل مضارع (يَذْكُرُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۱۰ یاری می‌جوییم (فعل مضارع، متکلم مع الغیر باب «اِسْتِفْعَال»)
- ۱۱ یاری نجوید («لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَسْتَعِينُوا) ← نهی) ۳۸ یاد نکردید (ما + فعل ماضی (ذَكَرْتُمْ) ← ماضی منفی) باید بفرستد
- ۱۲ ارزان نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يَرْخُصُّ) ← مستقبل منفی) ۳۹ لِاِمْرٍ) + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُ) ← باید + مضارع التزامی می‌فرستند (فعل مضارع، صیغه جمع مذکر غایب)
- ۱۳ ارزان شده بود (كَانَتْ + (قَدْ) + فعل ماضی (رَخَّصْتُ) ← ماضی بعید) ۴۰ تلاش نکرد (تلاش نکرده است) تلاش نکرد (تلاش نکرده است)
- ۱۴ تعمیر کردن (مصدر باب «تَفْعِيل»)
- ۱۵ تعمیر نکرد (تعمیر نکرده است) ۴۱ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُصَلِّحُ) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) تعمیر می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع (يُصَلِّحُونَ) ← ماضی استمراری)
- ۱۶ نزدیک خواهد شد (سَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل) ۴۲ گاهی تلاش می‌کند (شاید تلاش کند) (قَدْ + فعل مضارع (يَجْتَهِدُ) ← فعل مضارع با «گاهی» یا «شاید» ترجمه می‌شود.)
- ۱۷ نزدیک می‌شوند (فعل مضارع، جمع مذکر غایب، باب «تَفَعَّلُ»)
- ۱۸ نزدیک نخواهیم شد (لَنْ + فعل مضارع (نَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی) ۴۳ تلاش کنید (فعل امر در صیغه جمع مذکر مخاطب از باب «اِفْتِعَال» / «اِحْتِهَادُوا: تلاش کردند» (ماضی))
- ۱۹ نفرست («لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تُرْسِلُ) ← نهی) ۴۴ پوشانده بود (كَانَ + (قَدْ) + فعل ماضی (سَتَرْتُ) ← ماضی بعید)
- ۲۰ نفرستادند (نفرستاده‌اند) ۴۵ نپوشاند (ما + فعل ماضی (سَتَرْتُ) ← ماضی منفی)
- ۲۱ لم + فعل مضارع تغییر یافته (يُرْسِلُوا) ← ماضی منفی (ساده - نقلی) ۴۶ می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع (يَجْلِسُ) ← ماضی استمراری)
- ۲۲ فرستاده است (فرستاد) (قَدْ + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی نقلی یا ساده) ۴۷ خواهند نشست (سَوْفَ + فعل مضارع (يَجْلِسُونَ) ← مستقبل)
- ۲۳ خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع (يَمْتَنِعُ) ← ماضی استمراری) ۴۸ نشست (فعل ماضی، مفرد مؤنث غایب)
- ۲۴ خودداری کن (فعل امر باب «اِفْتِعَال»، مفرد مذکر مخاطب) ۴۹ نزدیک نخواهد شد (لَنْ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← مستقبل منفی) نزدیک نشوید
- ۲۵ آرمزیده نمی‌شود ۵۰ «لا» ی نهی + فعل مضارع تغییر یافته (تَتَقَرَّبُوا) ← نهی
- ۲۶ «لا» ی نفی + فعل مضارع (يُعْفَرُ) ← مضارع منفی مجهول ۵۱ نزدیک می‌شد (كَانَ + فعل مضارع (يَتَقَرَّبُ) ← ماضی استمراری)
- ۲۷ آرمزیده است (آرمزید) (قَدْ + فعل ماضی (عَفَّرَ) ← ماضی نقلی یا ساده) به یاد نیاوردید (ما + فعل ماضی (تَذَكَّرْتُمْ) ← ماضی منفی) ۵۲ نفرستاد (ما + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی منفی)
- ۲۸ به یاد خواهیم آورد (سَ + فعل مضارع (تَتَذَكَّرُ) ← مستقبل) ۵۳ بفرست (فعل امر از باب «اِفْتِعَال» صیغه مفرد مذکر مخاطب)
- ۲۹ باید به یاد آورد (بیاورد) ۵۴ باید بفرستد (لِاِمْرٍ) + فعل مضارع (يُرْسِلُ) ← باید + مضارع التزامی
- ۵۵ آفریده شد (فعل ماضی مجهول) ۵۶ می‌آفرینند (فعل مضارع، جمع مذکر غایب از ثلاثی مجزئ)

# فہرست

## درس اول اَلدِّينُ وَالتَّائِبِيْنَ

۳ بستہ اول: متن درس

۱۰ بستہ دوم: تمارین

## درس دوم مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ وَ الْمَدِيْنَةُ الْمُنَوَّرَةُ

۱۶ بستہ اول: متن درس

۲۰ بستہ دوم: تمارین

## درس سوم اَلْكَتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ

۲۸ بستہ اول: متن درس

۳۷ بستہ دوم: تمارین

## درس چہارم اَلْفَرَزْدَقُ

۱۴۴ بستہ اول: متن درس

۵۰ بستہ دوم: تمارین

لطفاً قبل از مطالعه این کتابچه، درس‌نامه «تجزیه و ترکیب» را از کتاب اصلی (صفحات ۱۴۴ تا ۱۵۰ عربی ۳ فرمول بیست) بخوانید.

### الَّذِينَ وَالتَّائِبِينَ (دین و دینداری)

عبارت: ﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾

**ترجمه روان:** با یکتاپرستی به دین روی آورا!

**بررسی کلمه‌های مهم:** اقم: فعل امر/ وجه: مفعول / لک: مضاف‌الیه/ للدين: جارّ و مجرور

عبارت: التَّائِبِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:

**ترجمه روان:** دینداری در انسان فطری است. و تاریخ به ما می‌گوید:

**بررسی کلمه‌های مهم:** التَّائِبِينَ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّلَ» - مبتدا/ فطري: خبر / الإنسان: مجرور

به حرف جرّ/ التَّارِيخُ: مبتدا/ يَقُولُ: فعل مضارع، ثلاثی مجرّد - خبر/ لَنَا: جارّ و مجرور

**نکته:** حرف جرّ (لِ) در هنگام اتصال به ضمایر متصل (به غیر از «ی») به «لِ» تبدیل می‌شود. مانند: لَنَا، لَهُ، لَكَ و ...

عبارت: لَا شُعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

**ترجمه روان:** هیچ مملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دین و روشی برای عبادت کردن

داشته است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** لا: لای نفی جنس / شُعُوبِ: مجرور به حرف جرّ/ الْأَرْضِ: از مؤنث‌های سماعی -

مضاف‌الیه/ كَانَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرّد، از افعال ناقصه / لَهُ: جارّ و مجرور/ لِلْعِبَادَةِ: جارّ و مجرور

عبارت: فَأَلْتَأْتِرُ الْقَدِيمَةَ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ،

**ترجمه روان:** پس آثار کهنی که انسان آن‌ها را کشف کرده،

**بررسی کلمه‌های مهم:** التَّائِبِينَ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّلَ» - صفت برای (التَّائِبِينَ) / الَّتِي: اسم موصول خاص - صفت/

اكتشفت: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «افتعال»/ ها: مفعول / الإنسان: فاعل

**نکته:** از آن جایی که با جمع‌های غیرعاقل به صورت مفرد مؤنث برخورد می‌شود، اگر بخواهیم برای آن‌ها

فعل، صفت، ضمیر و ... بیاوریم، به صورت مفرد مؤنث آورده می‌شود. در جمله بالا نیز چون «التَّائِبِينَ» جمع

غیرعاقل است، «القدیمة»، «الَّتِي» و ضمیر «ها» به صورت مؤنث آمده‌اند.

**عبارت:** وَ الْخَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ التَّقْوَشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ،

**ترجمه روان:** و تمدن‌هایی که آن‌ها را از طریق نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است،  
**بررسی کلمه‌های مهم:** الْخَضَارَاتُ: مبتدا/ الّتی: اسم موصول خاص - صفت/ ها: مفعول/ خِلال: مجرور به حرف جرّ/ الْكِتَابَاتِ: مضاف‌الیه

**نکته:** ضمایر متصل هرگاه در انتهای فعل بیایند، نقش مفعول را دارند. (عَرَفَهَا)  
فعل مفعول

**نکته:** اسم‌های موصول خاص (الَّذِي، الَّتِي، ...) بعد از اسم‌های (ال) دار در نقش صفت هستند.  
(الْخَضَارَاتُ الَّتِي...)  
اسم «ال» دار صفت

**عبارت:** تُوَكَّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَ تُدَلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛

**ترجمه روان:** بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن در وجود او فطری است؛  
**بررسی کلمه‌های مهم:** تُوَكَّدُ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب تفعیل - خبر برای (التأثر) / اهتماّم: مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال - مفعول / الْإِنْسَانِ: مضاف‌الیه / بِالذِّينِ: جارّ و مجرور / أَنْ: از حروف مشبّهة بالفعل / وجود: مجرور به حرف جرّ / ه: مضاف‌الیه

**عبارت:** وَ لَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛

**ترجمه روان:** اما عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛  
**بررسی کلمه‌های مهم:** لَكِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل / ه: در «عباداته» و «شعائره» مضاف‌الیه / كانت: از افعال ناقصه

**نکته:** ضمایر متصل (ه، هما، هم ... ک، کما، کم، ...) اگر به آخر اسم بچسبند، نقش مضاف‌الیه دارند.

**عبارت:** مِثْلُ تَعَدُّدِ الْأَلْهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.

**ترجمه روان:** مانند زیاد بودن خدایان و پیشکش کردن قربانی‌ها برای آن‌ها به خاطر به دست آوردن رضایتشان و دوری جستن از آن‌ها.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** تَعَدَّدُ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» - مضاف‌الیه / الْأَلْهَةِ: مضاف‌الیه / تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا: جارّ و مجرور / لِكَسْبِ رِضَاهَا: جارّ و مجرور / رِضا: مضاف‌الیه / تَجَنُّبِ شَرِّهَا: جارّ و مجرور / شَرِّ: مضاف‌الیه / هَا: مضاف‌الیه برای (رِضا) / تَجَنَّبَ: مصدر ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» / شَرِّ: مضاف‌الیه / هَا: مضاف‌الیه

**عبارت:** وَ أَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ.

**ترجمه روان:** و در گذر زمان، این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** أزدادت: فعل ماضی / هذه: اسم اشاره - فاعل / أديان: مجرور به حرف جرّ / النَّاسِ: مضاف‌الیه / مَرِّ: مجرور به حرف جرّ / الْعُصُورِ: مضاف‌الیه



**عبارت:** وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛

**ترجمه روان:** ولی خدای والا و بلندمرتبه، مردم را به این حالت رها نساخت؛

**بررسی کلمه‌های مهم:** لکن: از حروف مشبّهة بالفعل / الله: معرفه به علم / تبارک: فعل ماضی، ثلاثی

مزید از باب «تفاعّل» / الناس: مفعول / هذه: مجرور به حرف جر

**نکته:** واژه مقدّس «الله» هر چند ابتدایش «ال» دارد، اما چون اسم خاص است، معرفه به علم محسوب

می‌شود نه معرفه به «ال».

**عبارت:** فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾

**ترجمه روان:** پس در کتاب ارزشمندش فرموده است: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟

**بررسی کلمه‌های مهم:** قال: فعل ماضی / کتاب: مجرور به حرف جر / ه: مضاف‌الیه / الکریم: صفت

(کتاب) / أ: حرف استفهام (پرسشی) / الإنسان: فاعل / يُترك: فعل مضارع مجهول

**نکته:** در زبان عربی (بر خلاف فارسی) اگر اسمی هم صفت داشته باشد و هم مضاف‌الیه، ابتدا مضاف‌الیه

می‌آید و بعد صفت. (کتابه الکریم: کتاب ارزشمند او)

مضاف‌الیه صفت / صفت مضاف‌الیه

**عبارت:** لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

**ترجمه روان:** به همین خاطر پیامبران را به سوی آن‌ها فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

**بررسی کلمه‌های مهم:** لِذَلِكَ: جارّ و مجرور / أرسَلَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / إِلَيْهِمْ: جارّ و

مجرور / الْأَنْبِيَاءَ: مفعول / لِيُبَيِّنُوا: فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تفعیل» (به خاطر آمدن «لِ»، نون آن حذف

شده است.) / الصِّرَاطَ: مفعول / الْمُسْتَقِيمَ: صفت / الدِّينَ: معطوف (مربوط) به «الصِّرَاطَ» / الْحَقَّ: صفت

**عبارت:** وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

**ترجمه روان:** و قرآن کریم از روش پیامبران و درگیری آن‌ها با اقوام کافرشان با ما سخن گفته است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** حَدَّثَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب تفعیل / نا: مفعول / الْقُرْآنُ: فاعل / الْكَرِيمُ:

صفت / سیره: مجرور به حرف جر / الْأَنْبِيَاءَ: مضاف‌الیه / صراع: معطوف به «سیره» / هم: مضاف‌الیه /

أقوام: مضاف‌الیه / هم: مضاف‌الیه / الْكَافِرِينَ: صفت «أقوام»

**عبارت:** وَ لَتَذُكَّرُ مِثْلًا لِإِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

**ترجمه روان:** و به عنوان مثال باید از ابراهیم خلیل (ع) که تلاش کرد قومش را از پرستش بت‌ها

نجات دهد، یاد کنیم.

**بررسی کلمه‌های مهم:** لِإِبْرَاهِيمَ: معرفه به علم - مفعول / الْخَلِيلِ: صفت / الَّذِي: اسم موصول خاص -

صفت / حَاوَلَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» / يُنْقِذَ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال» /

قَوْمَ: مفعول / ه: مضاف‌الیه / عِبَادَةَ: مجرور به حرف جر / الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه

**عبارت:** **فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ (ع) وَوَحِيداً؛**

**ترجمه روان:** و در یکی از عیدها، هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **فِي أَحَدٍ:** جاّ و مجرور / الأعياد: مضاف‌الیه / قَوْمُهُ: فاعل / ه: مضاف‌الیه / مِنْ مَدِينَةٍ: جاّ و مجرور / هَم: مضاف‌الیه / إِبْرَاهِيمُ: فاعل / وَوَحِيداً: حال

**عبارت:** **فَحَمَلَ فَاساً وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ،**

**ترجمه روان:** پس تبری برداشت و همه بت‌ها را به جز بت بزرگ در معبد، شکست.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **فَاساً:** نکره - مفعول / كَسَرَ: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / جَمِيعَ: مفعول / الْأَصْنَامِ: مضاف‌الیه / الْمَعْبَدِ: اسم مکان - مجرور به حرف جر / الْكَبِيرِ: صفت

**عبارت:** **ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.**

**ترجمه روان:** سپس تبر را روی دوش او آویزان کرد و معبد را ترک نمود.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **عَلَّقَ:** فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «تفعیل» / الْفَأْسَ: مفعول / كَيْفٍ: مجرور به حرف جر / ه: مضاف‌الیه / الْمَعْبَدِ: مفعول

**عبارت:** **و لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً**

**ترجمه روان:** و وقتی که مردم برگشتند، بت‌هایشان را شکسته دیدند.  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **النَّاسُ:** فاعل / شَاهَدُوا: فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «مفاعلة» / أَصْنَامَهُمْ: مفعول / هَم: مضاف‌الیه / مُكْسَرَةً: اسم مفعول از ثلاثی مزید - حال

**عبارت:** **وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:**

**ترجمه روان:** و گمان کردند که ابراهیم (ع) انجام‌دهنده [این کار] است، پس او را برای محاکمه حاضر کردند و از او پرسیدند:  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **إِبْرَاهِيمَ:** معرفه به علم / الْفَاعِلُ: اسم فاعل از ثلاثی مجزّ / أَحْضَرُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / هُ در «أَحْضَرُوهُ» و «سَأَلُوهُ»: مفعول / لِلْمُحَاكَمَةِ: جاّ و مجرور

**عبارت:** **﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾**

**ترجمه روان:** آیا تو این [کار] را با خدایانمان انجام دادی ای ابراهیم؟  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **أ:** حرف استفهام (پرسشی) / أَنْتَ: ضمیر منفصل، مفرد مذکر مخاطب - مبتدا / فَعَلْتَ: فعل ماضی - خبر / هَذَا: اسم اشاره به نزدیک - مفعول / بِآلِهَةٍ: جاّ و مجرور / نَا: مضاف‌الیه

**عبارت:** **فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!**

**ترجمه روان:** پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟ از بت بزرگ سؤال کنید!  
**بررسی کلمه‌های مهم:** **أَجَابَ:** فعل ماضی، مفرد مذکر غایب / هَم: مفعول / لِمَ: جاّ و مجرور / تَسْأَلُونَنِي: (فعل مضارع + نون و قایه + ي: مفعول) / الصَّنَمَ: مفعول / الْكَبِيرَ: صفت  
**نکته:** «لِمَ» مخفّف «لِما» می‌باشد؛ بنابراین جاّ و مجرور محسوب می‌شود.

**عبارت:** **بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَاْمَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْاسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.**

**ترجمه روان:** مردم شروع به پیچ کردن: «قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد بت‌های ما را مسخره کند.»

**بررسی کلمه‌های مهم:** يتهاَمسون: فعل مضارع، ثلاثي مزيد از «باب تفاعل» / اِنَّ: از حروف مشبّهه بالفعل / لا يَتَكَلَّمُ: فعل مضارع منفي، ثلاثي مزيد از «باب تفعّل» / اِبْرَاهِيمُ: فاعل / الاستهزاء: مصدر «باب استفعال» - مفعول / بِأَصْنَامِهِمْ: جارّ و مجرور / نا: مضاف اليه

**عبارت:** **و هُنَا ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾**

**ترجمه روان:** و این جا [بود که] گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید!

**بررسی کلمه‌های مهم:** قالوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب / حَرِّقُوا: فعل امر، ثلاثي مزيد از باب «تفعیل» / آلِهَتُهُ: مفعول / كُمْ: مضاف اليه

**نکته:** «هُنَا» به معنای «اینجا» و «هُنَاكَ» به معنای «آن‌جا» قید مکان هستند.

**عبارت:** **فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.**

**ترجمه روان:** پس او را در آتش افکندند و خداوند او را از آن نجات داد.

**بررسی کلمه‌های مهم:** «هُ» در «قَذَفُوهُ» و «أَنْقَذَهُ»: مفعول / النَّارِ: مجرور به حرف جرّ / أَنْقَذَ: فعل ماضی، ثلاثي مزيد از باب «إفعال» / اللَّهُ: معرفه به علم - فاعل / مِنْهَا: جارّ و مجرور

**نکته:** برخی اسم‌ها در زبان عربی بدون داشتن قاعده و دلیل خاصی، مؤنث محسوب می‌شوند که به آن‌ها مؤنث‌های سماعی می‌گویند؛ مانند: ارض، شمس، نار، حرب (جنگ)، بئر (چاه) و ...

## كَوْلِ التَّمِيمِ

**عبارت:** **كَانَ الْهَدْفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لِلْإِلَهَةِ كَسْبَ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبَ شَرِّهَا.**

**ترجمه روان:** هدف از تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان به دست آوردن رضایت آن‌ها و دوری جستن از بدی آن‌ها بود

**بررسی کلمه‌های مهم:** تقدیم: مصدر ثلاثي مزيد از باب «تفعیل» - مجرور به حرف جرّ / القرابین: مضاف اليه / لِلْإِلَهَةِ: جارّ و مجرور / رِضَاهَا: (رضا: مضاف اليه / ها: مضاف اليه) / شَرِّهَا: (شَرّ: مضاف اليه / ها: مضاف اليه)

**عبارت:** **عَلَّقَى إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرَ الْأَصْنَامِ.**

**ترجمه روان:** ابراهیم (ع) تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد.

**بررسی کلمه‌های مهم:** عَلَّقَى: فعل ماضی، ثلاثي مزيد از باب «تفعیل» / إِبْرَاهِيمُ: فاعل / الْفَأْسُ: مفعول / كَيْفِ: مجرور به حرف جرّ / أَصْعَرَ: اسم تفضیل - مضاف اليه / الْأَصْنَامِ: مضاف اليه